

خدمت آثار طالقانی

من از عرض سلام و تمیلات و احوال بجا آن جناب امید دارم پیوسته در ایام موفق و مؤثر باشید
 بابت خدمت است که خدمت جناب عالی نامه از راه ام اگر یاد داشتند بایستد در ماهها گذشته شده در دوران انقلاب
 نامه های در مورد ارتش و مسائل دیگر خدمتتان فرستادم آنچه اکنون بایستد این نامه را نیز بفرستادم
 صرفاً ضرورتی است که پس از تو در دستهای احساس کردم بایستد بگویم در البته این نامه شاید مقدار در بروی موقع
 باشد گناید باور نیند ولی پس از تو در توئی و مطهر و سخنان تند هاشمی رفسنجانی در عقیده قم در حضور امام باقریه
 و تحلیل ها که خلی ساد را کرده ام در راه با در سر در گذرته بدان نسبت رسیدم که به احتمال زیاد هاشمی رفسنجانی
 هدف تو در بعد از حوادث مشابه چون موقعی را در حدیثی که این جریان را دنبال کردد {بررسی در راه تو در قبلی با هم}

اولین تو در دستهای صورت گرفت که پیروزهای جریان کشید و در حالت صحیح و ایضا صحیح قومی در این جریان و جمله ها که
 چرکها به او رسیدن جریان بودند شدن پیران شها و هجرت شما و در قالب همیشه فایده نایب اطلاعاتی نزد نفوذهایی در
 این همیشه ما داشتند که در قومی ۲ همیشه حسب شده داشتند تغییر اول محور شدن ناراضی در سر و صدای است
 به حقیقت را در تکرار و تکرار و تکرار و هم چنین تحت اشاعه تر از دادن جریان فرزندان شما و همیشه در
 کوسید و کردن چرکها و مجاهدین و نیروها و در تکرار و تکرار و تکرار که مظهر کرد و سر قبل از تو در
 سر و صدای وزارت امور خارجه در استقامت سیاسی و عقلی افتاد از موضع و موقعیت نزد حاکم تو در
 که کرد همچنین جمله ها که یکبار به امیر انتظام با توجه به نقش صند ما نسبت مظهر بعنوان یک فیلسوف با زبان
 تو در ۲ جریان جدید ایجاد شدند بی مردم شدن جریان و تقویت موضع نزد در راه با همش کرد و
 دیگری که کوسید و شدن چرکها در راه با تو در خفا نشان در راه با مظهر بعنوان یک فیلسوف انجام شد
 در راه با هنیات یک اصل است که یک نقطه نامعین است و دو نقطه معینی باشند یا از دو نقطه یک خطی که از آن نوز
 آن تو در ما که اول و دوم را دو نقطه فرض کنیم خطی در از برای که در مجری وجهه متشکل و محل عملگر نشان از آن می دهد
 پس از تو در مظهر نظری است که به تو رسید که در برابر عزت اسلام در سلین هاشمی ماسوز کوسید چرکها
 نیردها و مظهرات شده و این واضح بود که چرکها با حاکمات های در آن زمانها سرانخ در علم یا معنای سستی
 به او رسیدند و دیدیم که حسین شده مجری حسین قضایی بدین است با توجه به جنب سرد که سن او و چرکها
 رخ داده مجبور آنکه جانی جریان به ضرر امیرالزما که در کما سعید با توجه به سوء تفاهم عمومی جانی از این جنب سرد
 بر او باران کوسید و نیردها که ترقی و چرکها و تیردها که بزمین بود که در دستهای در حق خوبی بود و
 تر تا هم با توجه به جوایز او را تو در کردندی این تو در خیلی امتضاج و عیان بوده بدین ترتیب که این بار بالتر
 حقا از طریق یک دستگاه سراسر که می دانید تنها در صورت درک و حکمت و زور و زور در خارج می باشد
 صورت گرفته از طریق همان دستگاه نظری که امیر انتظام حاکم است دستگاهها از روشی است که الله را سست هم
 می گفت دیدیم که چگونه از این دستگاهها بر اثر کنترل مقاله رفسنجانی و ناطق نور استنادها شده با تو در
 تقاضای خدمت کربانی و سر و صدای تقصیر کربان و تیرنگان و غیره کرد و در آن زمان در آن به قمع امیرالزما آنرا
 ما تو در تیر نظری را رسد کاملاً حسب که بود اما اکنون نفعاتی که لازم بود کرد و سرور این است که این تو درها
 به سست عوامل سادگی بودن در استن کامیابی با مسئولیت و قدرت در دولت فعلی به هیچ عنوان امکان پذیر
 نیست و سادگی و سادگی مسئولیت به عمل که کلی معنی تو در انجام دهد این یک واقعیت باید دید و کسایتی
 آنهار را نشان قناری گفته باید هر چه زودتر این دستگاهها شوم کنترل تلفن را نابود کنند چون می بینیم عملاً در کنترل

تلفن دیگری کاملاً مواظب باشند در تو در یکی مسئولان در اتومبیلی سعادت می شود در اطراف خانه و اطرافها
 می و یا قریباً ما که این کار تلذازند و هر چه می توانند و ما را طوفانی را براسی که جز بند خو شده ها که معنی
 و سببانی در ایران قراران هستند حتی سببانی بهتری است خانه از یک واری هم نیند

خدا اقتاب است بقلعه دیکر آنکه این مردم را خلع سلاح کرد و در این
 نبردها و لیدرها از میان مردم بیاید و جراتها را شکست دهد و کشتار خود بخورد
 ولی با بیادیم و در سینه به هیچ عنوان در روزی نمی توانی در این مردم
 تیره ها در دست انجام می شود مطلقاً در اطراف منزل سخن نگویند
 مگر در میان مردم و مطلقاً در میان مردم و مطلقاً در میان مردم

قلعه دیکر آنکه اجمالاً هر کس که در آن زندگی می تواند دارد خود
 در فلی و امیر یا نیز می تواند در آنجا بماند و در آنجا بماند و در آنجا
 عدم هر نوع بر صیب عنوان یک متبادل گفته واقعی جراتها را شکست
 با اقتادها که جمعی در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم

تجزیه کند است در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 شود بسیار زیاد است و برای در این مردم و در این مردم و در این مردم
 خند امیر یا نیز می تواند در این مردم و در این مردم و در این مردم
 آنکه شما با سید است آنجا جمعی از کافران و در این مردم و در این مردم

متاد در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 نظر من بکار یافتن این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 و به این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 شکلی مشول و آنکه قلمه را کرد و در این مردم و در این مردم و در این مردم

که سخنان خندان در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 نه اردو و نصیب است که در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 آنکه هیچ افراد که قلمه را کرد و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 نوردها که قلمه را کرد و در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم

و با قلمه را کرد و در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 مورد نظر که قلمه را کرد و در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 مردم را همیای گفته بدون شک است که در این مردم و در این مردم و در این مردم
 خواهند اقتدار و آنکه موقعی عمل کنیم حدود همه آنها را بشکند و در این مردم
 آنها را اشخاص به نام قلمه را کرد و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 مورد نظر باید قلمه را کرد و در این مردم و در این مردم و در این مردم و در این مردم
 ما به مثلاً نور را ممتنع و یا بیشتر بدست می دهند و در این مردم و در این مردم
 بحث و گفتار از سنه حقیقت شوند و هیچ عنوان در این مردم و در این مردم و در این مردم
 سب و خلوتی و اعانت از پیش نهاده می توان چنین کارهایی کرد